

Prediction of Social Anxiety Model based on Attachment Mediated by Parenting Styles in Obese girls Aged 12 to 14 Years in Tehran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Masoumeh Assad¹
Alireza Agha Yousefi^{2*}
Majid Zargham Hajebi³

How to cite this article

Masoumeh Assad, Alireza Agha Yousefi, Majid Zargham Hajebi, Phenomenological Study of Integrated Curriculum in Order to Revitalize Primary Schools, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5(1); 288-297

1. PhD Student in Educational Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Psychology, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: arayeh1100@gmail.com

Article History

Received: 2021/04/01
Accepted: 2021/06/18
ePublished: 2021/06/21

ABSTRACT

Purpose: In the present study, the social anxiety model was predicted based on attachment mediated by parenting styles in obese female adolescents.

Materials and Methods: This research is a descriptive and correlational research according to the data collection method. In this study, the statistical population consists of all 12 to 14 year old female students in Tehran in 1399, who are overweight and obese with high body mass index. 200 of these students using multi-stage sampling method. Were selected as a sample. In this study, Connor Social Anxiety Questionnaire (by Connor 2000), Adolescents' Attachment to Parents and Peers Questionnaire (by Armsden and Greenberg, 1987), Bamrind Parenting Questionnaire (Bamrind, 1972) were used. Data using statistical model Multivariate regression, path analysis and finally structural equations were analyzed.

Findings: The findings showed that attachment (32%), with a negative and significant relationship, explains the changes in social anxiety, but with the mediation of the current variable of parenting, the standard coefficient of the path is equal to -0.46 and clearly the power of explanation. Has a higher rate of 46% in the diagnosis of social anxiety.

Conclusion: Using authoritative parenting style causes a person to experience less fear of evaluation in social situations, as well as less avoidance and anxiety, and consequently less anxiety. Have less.

Keywords: Social Anxiety, Attachment, Parenting Styles, Obesity

پیش بینی مدل اضطراب اجتماعی بر اساس دل‌بستگی با میانجی گری سبک های پرورشی در دختران چاق ۱۲ تا ۱۴ ساله شهر تهران

معصومه اسد^۱

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

علیرضا آقاییوسفی^{۲*}

دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مجید ضرغام حاجبی^۳

دانشیار، روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

هدف: در پژوهش حاضر به پیش بینی مدل اضطراب اجتماعی بر اساس دل‌بستگی با میانجیگری سبک های پرورشی در نوجوانان چاق دختر پرداخته شده است.

مواد و روش ها: این تحقیق با توجه به نحوه گردآوری داده ها جزء تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی است. در این مطالعه جامعه آماری را تمامی دانش آموزان دختر ۱۲ تا ۱۴ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹، که دارای اضافه وزن و چاقی با شاخص توده بدنی بالا هستند را تشکیل می دهند که ۲۰۰ نفر از این دانش آموزان با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه اضطراب اجتماعی کانور (توسط کانور ۲۰۰۰)، پرسشنامه دل‌بستگی نوجوانان به والدین و همسالان (توسط آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷)، پرسشنامه فرزند پروری بامریند (بامریند، ۱۹۷۲)، استفاده شد. داده ها با استفاده از مدل آماری رگرسیون چند متغیری، تحلیل مسیر و در نهایت معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد دل‌بستگی به میزان ۳۲ درصد، با ارتباط منفی و معنادار، از تغییرات اضطراب اجتماعی را تبیین می کند اما با میانجیگری متغیرمکنون فرزندپروری، ضریب استاندارد مسیر، برابر با ۰/۴۶ - و به وضوح از قدرت تبیین بیشتری در تشخیص اضطراب اجتماعی، برابر با ۴۶٪ برخوردار است.

نتیجه گیری: استفاده از سبک فرزند پروری مقتدرانه باعث میشود که فرد در موقعیت های اجتماعی، ترس از ارزیابی کمتر و همچنین اجتناب و پریشانی کمتر و در نتیجه اضطراب کمتری را تجربه کرده نوجوانانی که والدینی با سبک تربیتی مقتدر دارند نسبت به نوجوانان دیگر از اضطراب اجتماعی کمتری برخوردارند

کلیدواژه ها: اضطراب اجتماعی، دل‌بستگی، سبک های پرورشی، چاقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

* نویسنده مسئول: arayah1100@gmail.com

مقدمه

زندگی بشری نسبت به قرن های گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است و در مقابل، یک تغییر مهم در زندگی بشر، کاهش به کارگیری بدن، به دلیل افزایش امکانات و تسهیلات زندگی می باشد. شیوع جهانی چاقی میان کودکان و نوجوانان به سرعت در حال افزایش است. ابتلا به چاقی در سنین کودکی و نوجوانی، آسیبهای فراوانی را به سلامت فرد وارد میکند (۱). روند رو به رشد چاقی در بین کودکان و نوجوانان، محققین را بر آن داشته که بررسیهای متعددی را در زمینه عوامل مرتبط با چاقی در کودکان و نوجوانان انجام دهند. در این میان بیشتر مطالعات صورت گرفته مربوط به شیوع اضافه وزن و چاقی در ده سنی کودکان و نوجوانان میباشد و کمتر به مسائل روانشناختی پرداخته شده است. اما در حال حاضر بین پژوهشگران حوزه سلامتی این توافق وجود دارد. که افزایش وزن کودکان و نوجوانان نتیجه تعامل بین فاکتوری زیست شناختی و روانشناختی است. با وجود این، پژوهشهای به مسایل روانشناختی نوجوانان چاق و دارای اضافه وزن بیشتر به عنوان پیامد چاقی به این مسایل نگاه کرده اند تا اینکه به بررسی نقش پیش بینی کنندگی مسایل روانشناختی در بروز چاقی و اضافه وزن بپردازد. پژوهشها نشان میدهند که در خانواده هایی که سبکهای فرزندپروری نامناسبی مورد استفاده قرار میگیرد و به تبع آن سبک دل‌بستگی کودک نایمن میشود چاقی و اضافه وزن در فرزندان آنها بروز پیدا میکند. همچنین اضطراب اجتماعی نیز پیش بینی کننده چاقی و اضافه وزن در نوجوانان می باشد (۲).

دوران نوجوانی با ویژگی های جسمانی، روان شناختی هیجانی و تغییرات اجتماعی مشخص می شوند. نوجوانان به طور طبیعی روی جنبه های ظاهری خود حساسیت ویژه ای دارند و دیدشان راجع به ظاهرشان با رضایت از خود آن ها رابطه دارد به این خاطر اختلال بدشکلی بدن در دوره نوجوانی اهمیت زیادی پیدا می کند. نوجوانان اغلب به نشانه های جسمانی خود پریشانی نشان می دهند و حتی اقدام به خودکشی، افسردگی، اضطراب و اختلال سوئی مصرف موادر آن ها بیش از بزرگسالان بروز می کند. از طرفی پژوهشها

دیگر میتوان به دل‌بستگی اشاره کرد. فیلیس، گیبسون و اسلید نشان دادند که بین سبک دل‌بستگی مضطربانه و BMI رابطه وجود دارد. بالی با تشریح فرایند دل‌بستگی والد - کودک مدعی شد رفتارهای دل‌بستگی، تعامل های انسانی و اختلالات روان شناسی آتی را در فرد تحت تاثیر قرار می دهد و تجربه اولیه با مراقبان روی عملکرد فرد در روابط بعدی و در نوجوانی اثر می گذارد و نا ائمنی دل‌بستگی به آسیب پذیری نسبت به اختلالات روانی منجر می گردد (۷). در نوجوانی فرد دل‌بسته ایمن، به احساس خود ارزشمندی مثبت تمایل دارند و توانایی اثر گذاری بر دیگران در موقعیت اجتماعی را دارد و این باعث ایجاد روابط اجتماعی گسترده با اطرافیان می گردد چنین نوجوانی کمتر دچار اختلال اضطراب اجتماعی می شود. اما نوجوان دل‌بسته ناایمن، احساس خود کارآمدی و ارزشمندی و توانایی اثرگذاری روی دیگران ندارد در نتیجه احتمال رخ داد اضطراب اجتماعی در وی افزایش می یابد.

سبک های فرزند پروری را نیز ترکیب هایی از رفتارهای والدین تعریف کرده اند، که در موقعیت های گسترده ای روی می دهد و جو فرزند پروری با دوامی را پدید می آورد (۸). متخصصان بالینی هم به وفور ارتباط مابین تعاملات والد با کودک و سبک های فرزند پروری را در شکل گیری شخصیت کودک و انواع اختلالات کودکی و نوجوانی مؤثر دانسته اند. در رابطه با اضطراب اجتماعی و سبک های تربیتی والدین، تحقیقات نتایج گوناگون و ضد و نقیضی را ارائه کرده اند. با توجه به تحقیقات متفاوت به نظر می رسد عوامل سبب شناختی اضطراب اجتماعی به طور کلی گوناگون و پیچیده می باشد. ایجاد طرحواره های خاص در یک فرد نیز به گفته یانگ در اثر تعامل فاکتورهای زیادی از جمله نیازهای هیجانی اساسی، تجارب اولیه کودکی و خلق و خوی فطری کودک صورت می گیرد. حتی فرهنگ جامعه، گروه همسالان و مدرسه نیز در این میان تاثیرگذار هستند. همه ی اینها می تواند عواملی باشد که در ایجاد اضطراب اجتماعی تاثیرگذار باشند.

بر اساس مباحث مطرح شده و با توجه به در دسترس نبودن داده های مرتبط در این زمینه، در پژوهش حاضر بر آنیم که به پیش بینی مدل ارتباط متغیرهای سبک دل‌بستگی و همچنین سبک های تربیتی با اضطراب اجتماعی پرداخته و تعیین کنیم آیا سبک دل‌بستگی با اضطراب اجتماعی ارتباط دارد؟ و همچنین با توجه به اهمیت عملکرد والدین در شکل گیری طرحواره های فرزندان، تعیین کنیم کدام یک از انواع سبک های تربیتی والدین می تواند در کاهش اضطراب اجتماعی دختران نوجوان چاق متمر ثمر باشد.

برای پاسخ به این سوالها در پژوهش حاضر با مروری بر پژوهشها و تحقیقات انجام شده، نقش عوامل روانشناختی مانند اضطراب اجتماعی (۹، ۱۰، ۱۱) برجسته می شود.

اختلال اضطراب اجتماعی سومین اختلال روانپزشکی بعد از افسردگی و سوء مصرف مواد در کل جمعیت و همچنین شایع ترین

نشان میدهند که در خانواده هایی که سبکهای فرزندپروری^۱ نامناسبی مورد استفاده قرار میگیرد و به تبع آن سبک دل‌بستگی کودک ناایمن میشود چاقی و اضافه وزن در فرزندان آنها بروز پیدا میکند. همچنین اضطراب^۲ و افسردگی^۳ نیز پیش بینی کننده چاقی و اضافه وزن در نوجوانان هستند.

از بعد روانشناختی نیز پیامدهای چاقی و اضافه وزن قابل توجه و گسترده اند. یکی از پیامدهای روانی مورد توجه پژوهشگران بهزیستی روانی در افراد چاق است. افزون بر پیامدها و عوارض اضافه وزن و چاقی که در همه سنین قابل بررسی است، این مسئله در مورد کودکان و نوجوانان دارای اهمیت و حساسیت بیشتری است و چاقی و اضافه وزن در کودکان و نوجوانان احتمال وجود آن را در بزرگسالی تا حد زیادی افزایش می دهد (۳).

اضطراب نیز یک احساس منتشره بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم و دلواپسی است که با یک یا چند احساس جسمی همراه می گردد. مثل احساس خالی شدن سردل، تنگی قفسه سینه، تپش قلب، تعریق، سردرد یا میل جبری ناگهانی برای دفع ادرار، بی قراری و میل برای حرکت نیز از علائم شایع است (۴).

اختلال اضطراب اجتماعی^۴ (SAD) به عنوان یک اختلال از طبقه اختلالات اضطرابی، شایع ترین نوع اختلال اضطرابی و سومین اختلال روانی از نظر شیوع بین جمعیت عمومی می باشد. اختلال اضطراب اجتماعی شایع ترین اختلال اضطرابی است که به ترس پایدار در یک یا چند موقعیت اجتماعی اشاره دارد که در آن فرد می ترسد به گونه ای خوار کننده و تحقیر آمیز عمل کند. این اختلال یکی از زود آغاز ترین اختلالات روان پزشکی است و اغلب در اواسط نوجوانی آغاز شده و شیوع آن بین سه تا سیزده درصد گزارش شده است. ویژگی تشخیصی اصلی آن ترس بارز و پایدار از موقعیت های اجتماعی است که در آنها احتمال دستپاچگی برای شخص وجود دارد، الگو های شناختی معاصر هراس اجتماعی این فرض را مطرح می کنند که افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی موقعیت های اجتماعی را زبان باری دانند (۵). اضطراب اجتماعی یک پدیده چند بعدی است و عوامل مختلفی در تکوین آن نقش دارند: عواملی چون ژنتیک و فاکتورهای زیستی، فرایندهای خانوادگی و عوامل محیطی غیرخانوادگی مثل طرد از سوی همسالان. علاوه بر این اضطراب اجتماعی در دوره نوجوانی به شکل قابل ملاحظه ای افزایش پیدا می کند از طرفی بررسی اضطراب اجتماعی به نوبه خود در نوجوانان چاق نیز دارای اهمیت است چرا که امروزه چاقی یک مساله ی مهم تندرستی است و به سرعت در بین افراد به خصوص نوجوانان در حال افزایش است.

همچنین پژوهشها نشان میدهند که در خانواده هایی که سبکهای فرزندپروری نامناسبی مورد استفاده قرار میگیرد و به تبع آن سبک دل‌بستگی کودک ناایمن میشود چاقی و اضافه وزن در فرزندان آنها بروز پیدا میکند. در این میان اضطراب و افسردگی نیز پیش بینی کننده چاقی و اضافه وزن در نوجوانان هستند. از متغیرهای مهم

3. depression

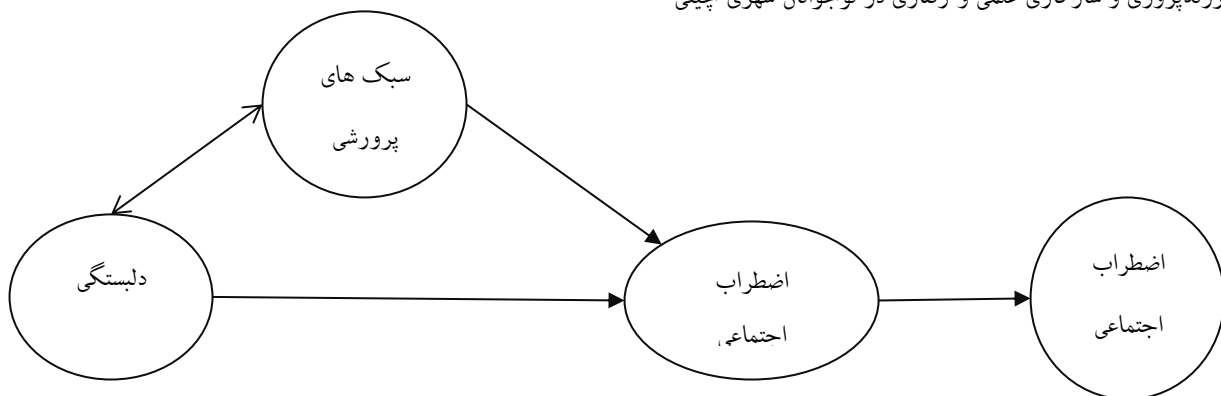
4. Social anxiety disorder

1. parenting style

2. anxiety

، پژوهشی را انجام داد. وی بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نتایج آموزشی و رفتاری نوجوانان در دانش‌آموزان کلاس هشتم در دو شهرستان در چین، دریافت که اکثر پدر و مادر چینی سبک‌های فرزندپروری مطلوب، مانند سبک‌های فرزندپروری دموکراتیک یا معتدلتاخذ می‌کنند. شیوه‌های فرزند پروری دموکراتیک، شیوه‌ای بهینه در میان پدر و مادر پسران شهرهای چینی است، زیرا فرزندان مادران دموکراتیک، دارای پیشرفت تحصیلی بهتر هستند و شرکت آنها در فعالیت‌های بزهکار کمتر از پسران مطرح شده توسط انواع دیگر از مادران، از جمله

مادران مقتدر می‌باشد. فرزندان پدران موکراتیک دستاوردهای آکادمی ک بهتر از پسران از انواع دیگر پدران، از جمله پدران مقتدر دارند. همچنین در دختران از پدر و مادر استبدادی نمرات تحصیلی پایین‌تر و شرکت در فعالیت‌های بزهکار بیشتر از دختران از پدر و مادر دموکراتیک گزارش شد. اضطراب اجتماعی به صورت عمومی به ترس‌های مبالغه‌آمیز، غیرمنطقی، پایدار و مخرب از موضوع یا شرایط یا موقعیت‌های خاص و معین گفته می‌شود که به لحاظ شدت و آسیب میزان کمتری نسبت به فوبی اجتماعی دارد (۱۴).



فرزندپروری و تأثیراتی که هر کدام از آنها بر رشد کودکان دارند به بحث و بررسی پردازند و الگوهای مختلفی را ارائه دهند. مدل نظری پژوهش

مواد و روش‌ها

پژوهش از نوع همبستگی^۳ با استفاده از روش‌های مدل‌یابی علی است. در پروژه‌های تحقیقی که شامل چند متغیر می‌باشند، به غیر از شناخت میانگین و انحراف معیار در متغیرهای مستقل و وابسته اغلب میل داریم بدانیم که یک متغیر با متغیر دیگر چه رابطه‌ای دارد. بدان معنا که ماهیت، جهت و معناداری روابط متغیری را بدانیم. همبستگی از ارزیابی تغییرات یک متغیر بر اثر تغییرات متغیر دیگر بدست می‌آید (۱۵) ضرایب همبستگی به منزله آمار توصیفی برای توصیف ارتباط بین دو متغیر بسیار مورد استفاده است. این ضرایب برای پیش‌بینی، برآورد یک متغیر از دانسته‌های متغیر

اختلال دوره نوجوانی است (۱۲). اختلال اضطراب اجتماعی در دوره نوجوانی می‌تواند با آسیب‌های فراگیر و ناتوان‌کننده در حوزه تحصیلی، روابط با همسالان و حتی عملکرد شغلی آینده همراه باشد و نوجوان را درگیر اختلالات درونی‌سازی شده کند.

والش^۱ و همکارانش نیز در پژوهش خود باهدف بررسی نقش اضطراب، دلبستگی ناایمن و کنترل توجه در پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در تمرکز حواس، نشان دادند بین دلبستگی دوسوگرا و اضطراب صفت همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین فانگ با انجام پژوهشی نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه به صورت منفی و معنی‌دار با دلبستگی ناایمن همبستگی دارد. در پژوهش دیگری از روزکان، (۱۳) دریافتند دلبستگی ناایمن به والدین، میزان پایین‌تری از اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. اوزترک و موتلو^۲ در بررسی خود با عنوان سبک دلبستگی، بهزیستی، شادکامی و اضطراب اجتماعی بین ۳۰۵ دانشجوی دختر و پسر دریافتند که افراد دلبسته‌آشفته، بیمناک و دل‌مشغول (افراد دلبسته ناایمن) نسبت به افراد دلسته‌ایمن سطوح بالاتر اضطراب اجتماعی را گزارش می‌کنند.

وانگوا^۴ در بررسی موضوعی تحت عنوان رابطه سبک‌های فرزندپروری و سازگاری علمی و رفتاری در نوجوانان شهری چینی

مرور پیشینه‌ها نشان داد نوجوانان با سبک دلبستگی ناایمن در صورت داشتن مادرانی با سبک فرزندپروری مستبدانه کاهش بیشتری را در مهارت‌های اجتماعی نشان دادند. فرزندپروری مقتدرانه همبستگی با دلبستگی ناایمن دارد و فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه نیز همبستگی مثبتی با دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا دارد.

در زمینه سبک‌های پرورشی، اینکه والدین کدامیک از انواع سبک‌های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند خود تحت تأثیر عوامل گوناگونی است و بسیاری از این عوامل از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب ناشی می‌شود. اما هدف همه سبک‌های فرزندپروری شکل‌دهی به شخصیت روانی و تقویت شایستگی‌های کودک است. اهمیت به این دوهدف و توجه به دو بعد از رفتارهای والدین یعنی پذیرش در برابر طرد و سختگیری در برابر آسان‌گیری موجب شده که امروزه محققان درخصوص سبک‌های

³ .Wanga

⁴ . Correlation

¹ .Walsh

² . Ozturk, A & mutlu, T

ترس (۶ ماده)، اجتناب (۷ ماده) و ناراحتی فیزیولوژیک (۴ ماده) است و در آن هر ماده براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت (=۰ به هیچ وجه، ۱=کم، ۲=تا اندازه ای، ۳=زیاد، ۴=خیلی زیاد) درجه بندی می شود. بر اساس نتایج به دست آمده برای تفسیر نمرات، نقطه برش ۴۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۰ درصد و نقطه برش ۵۰ با کارایی ۸۹ درصد، افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی را از افراد غیر مبتلا متمایز می کند (۱۸).

پرسشنامه دل‌بستگی نوجوانان به والدین و همسالان، این پرسشنامه توسط آرمسدن و گرینبرگ ایجاد شده است. نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه شامل دو بخش پدر مادر و همسالان است و هر بخش از ۱۲ سوال تشکیل شده است. نمره گذاری مقیاس بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت انجام می شود. در مجموع پرسشنامه دارای سه عامل اعتماد متقابل^۶، ارتباط^۷ و بیگانگی^۸ است. آزمون دل‌بستگی به والدین و همسالان (۱۹) به منظور ارزیابی تصور نوجوانان در مورد ابعاد مثبت و منفی عاطفی/شناختی رابطه با والدین و دوستان صمیمی شان بر پایه نظریه دل‌بستگی بالینی ساخته شده است. این آزمون دارای سه زیرمقیاس میزان اعتماد، کیفیت رابطه و میزان خصومت و احساس بیگانگی است. البته نسخه اصلی آزمون دارای دو بخش است که یکی از بخش ها مربوط به دل‌بستگی به والدین (پدر و مادر) و بخش دیگر مربوط به دل‌بستگی به دوستان است. بخش مربوط به دل‌بستگی به والدین دارای ۱۲ گویه و بخش مربوط به دل‌بستگی به دوستان نیز دارای ۱۲ گویه است که آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای میزان مخالفت و یا موافقت خود را با هر یک از عبارات آن مشخص کند.

در مقیاس دل‌بستگی به والدین و همسالان گزینه ها بدین ترتیب «همیشه ۵، اغلب اوقات ۴، بعضی اوقات ۳، به ندرت ۲، هرگز ۱» ، گویه های ۷ و ۱۹ به طور معکوس و سایر گویه ها به طور مستقیم نمره گذاری می شوند. در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده که ضریب آن برای دل‌بستگی به والدین ۰/۷۱ و برای دل‌بستگی به همسالان ۰/۷۴ بدست آمده است.

پرسشنامه فرزندپروری بامریند، این پرسشنامه اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسش نامه شامل ۳۱ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. لازم به ذکر است، در تحقیق حاضر با استفاده از روش آلفا کرونباخ اعتبار پرسشنامه ۸۲٪ به دست آمده است.

دیگر نیز مورد استفاده قرار می گیرند؛ متغیری را که با توجه به آن پیش بینی صورت می گیرد «متغیر پیش بین» و متغیری را که پیش بینی شده «متغیر ملاک»^۲ می نامند (۱۶).

نظر به آنکه روش های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون^۳ در تعیین روابط علی بین متغیرها، دارای محدودیت می باشد (۱۷) بر استفاده از روشهای علی مانند تحلیل مسیر^۴ و تحلیل معادلات ساختاری^۵ تاکید ورزیده اند (۱۳).

در این پژوهش از طرح تحقیق توصیفی رابطه ای از نوع معادلات ساختاری به عنوان مناسب ترین طرح تحقیق استفاده به عمل آمد زیرا در پی تدوین و پیش بینی پدیده ی اضطراب اجتماعی ناشی از چاقی در میان نوجوانان و دل‌بستگی با متغیرهای میانجی سبکهای پرورشی می باشیم و هدف پیش بینی کنندگی چند متغیر است.

جامعه آماری و روش نمونه گیری و حجم نمونه با توجه به موضوع تحقیق حاضر که به نقش پیش بینی کنندگی اضطراب اجتماعی بر اساس دل‌بستگی با میانجی گری سبک های پرورشی در نوجوانان دختر می پردازد. جامعه تحقیق را تمامی دانش آموزان دختر ۱۲ تا ۱۴ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹، دارای اضافه وزن و چاق با شاخص توده بدنی بالاتر از ۲۳ تشکیل می دهند. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت چند مرحله ای است. در این راستا حجم نمونه، ۲۰۰ نفر بودند بدین منظور در مرحله اول پس از دریافت مجوز لازم از اداره کل آموزش پرورش شهر تهران با مراجعه به اداره آموزش و پرورش مناطق (۸، ۴، ۱۴) شهر تهران و در مجموع به ۶ دبیرستان دخترانه دور اول مراجعه شد و بخاطر غیر حضوری بودن مدارس لینک پرسشنامه ها که در شبکه بارگذاری شده بود برای دانش آموزانی بین ۱۲ تا ۱۴ ساله که شاخص BMI آنها بیش از ۲۳ بود و پرسش نامه فرزند پروری بامریند نیز برای والدین آنها، ارسال شد. جهت گردآوری اطلاعات لازم در این پژوهش با توجه به هدف و روش انجام کار برای بررسی رابطه میان متغیرهای اضطراب اجتماعی، دل‌بستگی با میانجی گری متغیرهای سبک های پرورشی از پرسشنامه هایی به این منظور استفاده شد. در این پژوهش برای اندازه گیری اضطراب اجتماعی نوجوانان از مقیاس هراس اجتماعی استفاده شد این پرسشنامه نخستین بار توسط کانور و همکاران به منظور ارزیابی هراس اجتماعی تهیه شده است. تلویحات بالینی این پرسشنامه نشان می دهد که در سه حیطة علائم بالینی ترس، اجتناب و علائم فیزیولوژیک اطلاعاتی را ارائه می کند و مزیت های علمی کوتاه بودن، سادگی و آسانی نمره گذاری را دارد. این ابزار با داشتن ویژگیهای بانبات روانسنجی به عنوان یک ابزار معتبر برای سنجش شدت علائم هراس اجتماعی به کار می رود. به علاوه به عنوان یک ابزار غربالگری و برای آزمودن پاسخ به درمان در اختلال هراس اجتماعی کاربرد دارد و در نهایت این مقیاس میتواند درمانهای با کارایی متفاوت را از هم تمیز دهد. این پرسشنامه یک مقیاس خودسنجی ۱۷ ماده ای است که دارای سه مقیاس فرعی

5. Structural Equation Analysis

6. trust

7. communication

8. alienation

1. Predictor variable

2. Criterion variable

3. Regression Analysis

4. Path Analysis

الگویابی معادلات ساختاری با بهره گیری از نرم افزار LISREL و تعیین شاخصهای مجذور کای^۳ استفاده شده است. اطلاعات توصیفی نظیر میانگین، میانه و انحراف معیار و واریانس متغیرهای پژوهش محاسبه و در جدول ذیل آورده شده است. جدول (۴-۴): شاخصهای توصیفی متغیرهای تحقیق

هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ از روش کولموگروف-اسمیرنوف تست کرده ایم.

جدول ۴-۵: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش

متغیر	آماره Z	معنی داری
دلبستگی	۰/۰۶۴	۰/۰۵
تصوربردنی	۰/۰۷۵	۰/۰۸
فرزندپروری	۰/۰۷۲	۰/۰۵۴
اضطراب اجتماعی	۰/۰۷۳	۰/۰۷

به جداول (۴-۶)، (۴-۷)، (۴-۸) بین متغیرهای دلبستگی و اضطراب اجتماعی، فرزندپروری و اضطراب اجتماعی و دلبستگی و فرزندپروری ضریب معناداری آزمون پیرسون در هر شش رابطه برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ که حاکی از رد فرضیه $\rho=0$ و معنادار بودن رابطه‌ی متغیرهای پیش بین و مکنون با اضطراب اجتماعی است.

مدل آماری از آنجایی که در پژوهش تمامی متغیرها کمی و پیوسته بوده و در مقیاس فاصله ای اندازه گیری می شوند. ابتدا با استفاده از شاخص آمار توصیفی همچون شاخص های گرایش مرکزی (نما، میانه و میانگین)، شاخص های پراکندگی (دامنه تغییرات، واریانس و انحراف استاندارد) و همچنین آزمون اسمیرنوف کلموگروف^۱ تک متغیری به نرمال بودن متغیرها پرداخته شد. پس از اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از مدل آماری رگرسیون چند متغیری^۲ برای بررسی ارتباط بین متغیرها و آزمون سوالات و فرضیه های فرعی استفاده شده است. همچنین در راستای آزمون فرضیه های اصلی تحقیق از

نتایج جدول ۴-۵، نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیرهای اصلی تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع داده‌ها نرمال بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار پارامتریک استفاده می‌شود. همچنین با توجه به نرمال بودن می‌توان از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری با رویکرد مبتنی بر کوواریانس استفاده کرد. به منظور بررسی همبستگی متغیرهای تحقیق، از ضریب پیرسون کمک گرفته شد که جداول و نتایج آن ذیلا ارائه می‌گردد. با توجه

جدول ۴-۶. همبستگی

	دلبستگی	فرزندپروری
پیرسن	۱	۰/۵۱۰
دلبستگی	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
	N	۲۰۰
پیرسن	۰/۵۱۰	۱
فرزندپروری	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
	N	۲۰۰

³. Chi-square

1. Kolmogorov-Smirnov

2. Multivariate Regression

جدول (۴-۷). همبستگی

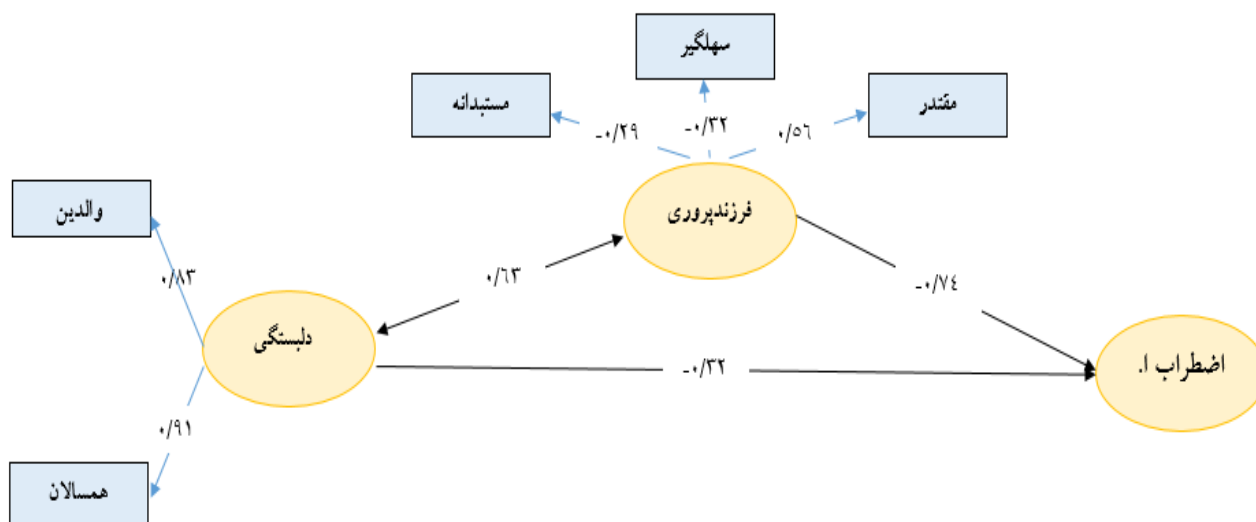
		دل بستگی	اضطراب ا.
دل بستگی	پیرسن	۱	-۰/۶۱۰
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
	N	۲۰۰	۲۰۰
اضطراب اجتماعی	پیرسن	-۰/۶۱۰	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	
	N	۲۰۰	۲۰۰

جدول (۴-۸) - همبستگی

		فرزندپروری	اضطراب ا.
فرزندپروری	پیرسن	۱	۰/۶۰۰
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
	N	۲۰۰	۲۰۰
اضطراب اجتماعی	پیرسن	۰/۶۰۰	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	
	N	۲۰۰	۲۰۰

اجتماعی را تبیین می کند و ارتباط منفی و معنادار دارد. و در مسیر غیرمستقیم با میانجیگری متغیر مکنون فرزندپروری ، ضریب استاندارد مسیر ، حاصلضرب مسیر دل بستگی به فرزندپروری در مسیر فرزندپروری به اضطراب اجتماعی و برابر با ۰/۴۶ - است.

ضرایب استاندارد در تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول این ضرایب در واقع نشان دهنده بارهای عاملی بین هر متغیر مکنون مرتبه اول و سؤال های(متغیرهای مشاهده پذیر) مربوط به آن می باشند. ضریب استاندارد مسیر بین دل بستگی و اضطراب اجتماعی برابر با (-۰/۳۲) است. بنابراین می توان نتیجه گرفت دل بستگی به میزان ۳۲ درصد از تغییرات اضطراب



نمودار (۱-۱) مدل نهایی روابط متغیرهای آشکار و مکنون پژوهش همراه ضرایب استاندارد مسیر

نتیجه گیری

ضریب استاندارد مسیر بین دل‌بستگی و اضطراب اجتماعی برابر با $(-۰/۳۲)$ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت دل‌بستگی به میزان ۳۲ درصد از تغییرات اضطراب اجتماعی را تبیین می‌کند و ارتباط منفی و معنادار دارد و در مسیر غیرمستقیم با میانجیگری متغیرمکنون فرزندپروری، ضریب استاندارد مسیر، حاصلضرب مسیر دل‌بستگی به فرزندپروری در مسیر فرزندپروری به اضطراب اجتماعی و برابر با $۰/۴۶ - = (-۰/۷۴)(۰/۶۳)$ و به وضوح از قدرت تبیین بیشتری برابر با ۴۶٪ برخوردار است.

پژوهش حاضر نشان داد که دل‌بستگی با اضطراب اجتماعی رابطه منفی دارد که همسو با یافته‌های پیشین (۲۰، ۲۱، ۲۲) می‌باشد. والدین مقتدر هم از لحاظ درخواست‌کنندگی بالا هستند و هم از لحاظ پاسخ‌دهندگی در سطح بالایی قرار دارند، آنها مقررات واضحی را برای رفتارهای فرزندان خود وضع می‌کنند و از آنها توقع اطاعت دارند ولی در عین حال با گرمی و مهربانی و به طور منطقی به خواسته‌های کودکان خود توجه می‌کنند و به همین دلیل فرزندان آنها از لحاظ اعتماد به نفس، قدرت کنترل خواسته‌ها، سازگاری با افراد دیگر، حس کنجکاوی و اخلاقیات به مراتب از سبک دیگر سالم‌تر و بهتر هستند. در سبک تربیتی مقتدرانه فرزندان می‌آموزند که بدون ترس از پیامد عمل خود دست به اقدام زده و نتیجه اینکه تحول استقلال در این کودکان رشد بیشتری می‌کند و از این رو در موقعیت‌های اجتماعی دچار هراس اجتماعی و ترس نخواهند شد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر در خصوص رابطه‌ی معنادار بین سبک دل‌بستگی و اختلال اضطراب اجتماعی با نتایج مطالعات پیشین؛ (۱۵، ۱۶، ۱۷) علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان داد که دل‌بستگی با اضطراب اجتماعی رابطه منفی دارد که همسو با یافته‌های پیشین است. به طور کلی پژوهش‌ها نشان داده‌اند دل‌بستگی با سطوح پایین‌تر اضطراب اجتماعی میان کودکان و نوجوانان رابطه دارد (۱۸، ۱۹، ۲۰) همچنین (۲۳) نیز نشان دادند نوجوانان با دل‌بستگی، اضطراب اجتماعی کمتری را گزارش می‌کنند.

با بررسی میانگین میان دو گروه مشخص می‌شود گروه عادی نمره بالاتری را در سبک سهل‌گیرانه دارا می‌باشد. والدین سهل‌گیر در میزان پاسخ‌گری بالا و در میزان درخواست‌کنندگی و مطالبه‌گری پایین هستند. والدین سهل‌گیر حالت گرم و پذیرایی را نسبت به رفتار فرزندان خود دارند در واقع آنها به نیازهای فرزندان خود پاسخ می‌دهند، به فرزندان خود اجازه می‌دهند که رفتار خودشان را تنظیم کرده و تصمیمات‌شان را خودشان بگیرند. ولی از لحاظ کنترل‌کنندگی در سطح پایینی قرار دارند. شاید بتوان گفت به جهت پاسخ‌گری بالا و دادن استقلال به فرزندان در ابتلا به اضطراب اجتماعی در فرزندان تأثیر کمتری داشته باشد. نتایج بدست آمده از این پژوهش دارای همخوانی با یافته‌های پژوهش زهره ای (۲۴) نشان داد، استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث میشود که فرد در موقعیت‌های اجتماعی، ترس از ارزیابی کمتر و همچنین اجتناب و پریشانی کمتر و در نتیجه اضطراب کمتری را تجربه کرده نوجوانانی که والدینی با سبک تربیتی مقتدر دارند نسبت به نوجوانان دیگر از اضطراب اجتماعی

کمتری برخوردارند. این نکته مبین این است که والدین مقتدر در حالی که روش‌های کنترلی را به فرزندان خود اعمال کرده، در مورد انجام رفتارهایی از فرزندان خود توضیح می‌خواهند و کنترل خود را همراه با رابطه‌ای گرم و پاسخگو بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. نتایج بدست آمده از این پژوهش دارای همخوانی با نتایج پژوهش علیزاده و همکاران ۲۰۱۱ است که نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه بر رشد کودکان به گونه‌ای مثبت تأثیر گذاشته که تا نوجوانی نیز ادامه دارد. والدین مقتدر هر دو ویژگی تقاضا و پذیرندگی را دارا می‌باشند و کودکان آنها مشکلات رفتاری کمتری داشته و موفقیت تحصیلی بیشتری در مدرسه داشته‌اند. در مقابل والدین سهل‌گیر فاقد ویژگی تقاضاکنندگی از فرزندان خود هستند، در نتیجه مشکلات رفتاری در فرزندان آنها بیشتر است. با یافته‌های وانگوا (۲۵) تحت عنوان رابطه سبک‌های فرزندپروری و سازگاری علمی و رفتاری در نوجوانان شهری چینی همسوست وی در بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نتایج آموزشی و رفتاری نوجوانان در دانش‌آموزان کلاس هشتم در دو شهرستان در چین، دریافت که اکثر پدر و مادر چینی سبک‌های فرزندپروری مطلوب، مانند سبک‌های فرزندپروری دموکراتیک یا معتدلاتخاذ می‌کنند. شیوه‌های فرزندپروری دموکراتیک، شیوه‌ای بینه در میان پدر و مادر پسران شهرهای چینی است. ضریب استاندارد مسیر بین دل‌بستگی و اضطراب اجتماعی برابر با $(-۰/۳۲)$ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت دل‌بستگی به میزان ۳۲ درصد از تغییرات اضطراب اجتماعی را تبیین می‌کند و ارتباط منفی و معنادار دارد. اما در مسیر غیرمستقیم با میانجیگری متغیرمکنون فرزندپروری، ضریب استاندارد مسیر، حاصلضرب مسیر دل‌بستگی به فرزندپروری در مسیر فرزندپروری به اضطراب اجتماعی و برابر با $۰/۴۶ - =$ و به وضوح از قدرت تبیین بیشتری برابر با ۴۶٪ برخوردار است.

موازين اخلاقي

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است. همچنین به افراد درباره‌ی محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد.

سپاسگزاری

از زحمات مدیران، کارکنان مدارس و کارکنان مناطق آموزش و پرورش، که امکان اطلاع‌رسانی و دردسترس قراردادن لینک پرسشنامه در سیستم دانش‌آموزان را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

References

1. Kaplan, Harold, Zadok, Benjamin, J. (Bi Ta) Summary of Psychiatry. Translation, Rafiei, Abbas (2002). Volume 2, Arjmand Publications
2. Schultz, Duane (2005). Personal theories. Translated by Seyyed Mohammadi (2007). Eleventh edition, published by Virash
3. American Psychological Association (2000). Revised text of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. Translated by Mohammad Reza Nikkhah, Hamayk Avadisans. (2002). First Edition, Arjmand Publications
4. Alborzi Manesh, M. Alchemist, M., Rashidkhani, B., Atefi Sadrini, S. (1390). The relationship between overweight and obesity with some lifestyle components in third to fifth grade elementary school girls in District 6 of Tehran. Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Industry 6 (3): 75- 84
5. Besharat, Mohammad Ali; Golinejad, Mohammad; Ahmadi, Ali Asghar. (2003). Investigating the relationship between attachment styles and interpersonal problems. Journal of Thought and Behavior 8,4, 81-74
6. Agah Harris, Mojgan., Alipour, Ahmad., And Golchin, Neda. (2012). The difference between eating behaviors and body mass index of students in different levels of physical social anxiety. Research in Psychological Health 6 (2): 30-23
7. Behzadpour, Pakdaman, and Besharat (2010). Relationship between attachment styles and weight related concerns in adolescent girls. Journal of Behavioral Sciences, 1: 69-70
8. Doroodgar. (1384). Investigating the relationship between perceptions of parenting styles and the level of irrational thinking of adolescents aged 16-14 years. Master Thesis of Shahid Beheshti University
9. Jamshidi, L. (2012). The relationship between body mass index and socio-economic status) Level of education - Occupation (parents in middle school girls of Kish Island.
10. Alborzi Manesh, M. Alchemist, M., Rashidkhani, B., Atefi Sadrini, S. (1993). The relationship between overweight and obesity with some lifestyle components in third to fifth grade elementary school girls in District 6 of Tehran. Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Industry.
11. Karbandi, S.; Eshghizadeh, M.; Agha Mohammadian, H., R.; Ebrahimzadeh, S.; Safarian, M. (2010). The relationship between parenting style and obesity of preschool children in Mashhad. Quarterly Journal of Gonabad University of Medical Sciences and Health Services.
12. Anderson, Emily. R., hope, Debra. A. (2009). The relationship among social phobia, objective and perceived physiological reactivity, and anxiety sensitivity in adolescent population. Journal of anxiety disorders, 23: 18-26.
13. Armsden, G. C. , & Greenberg, M. T. (1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological wellbeing in adolescents. Journal of Youth and Adolescents, 16(5), 427-454.
14. Atkinson, L., & Goldberg, S. (2004). Attachment issues in psychopathology and intervention. London: Lawrence Erlbaum Associates. Psychological Science in the Public Interest 4, 1-44.
15. Besharat, M. A., Mohammadi Hasel, K., Nikfarjam, M. R., Zabihzadeh, A., and Fallah, M.H.(2012). Comparison of Attachment Styles in Patients with Depression, Anxiety Disorders and Normal People. Journal of Transformational Psychology, 35, 227-236.[in Persian]

16. Brown, A., Whiteside, S. (2008). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. *J Anxiety Disord*, 22: 263-72.
17. Brumariu, L. E., Kerns, K. A. (2010). Parent-child attachment and internalizing symptoms in childhood and adolescence: A review of empirical findings and future directions. *Dev Psychopathol*, 22 (1): 177-203.
18. Cantón -Cortés, D., Cortés, M. R., & Cantón, J. (2015). Child Sexual Abuse, Attachment Style, and Depression The Role of the Characteristics of Abuse. *Journal of Interpersonal Violence*, 30, 420 -436.
19. Hasani, J., Rasti, A. (2013). Cognitive estimation in patients with schizophrenia, major depression disorder and normal individuals. *Daneshvar Medicine*, 10, 1-11. [in Persian]
20. Linares, L., Jauregui, P., Herrero - Fernández, D., & Estévez, A. (2016). Mediation Role of Mindfulness as a Trait Between Attachment Styles and Depressive Symptoms. *The Journal of Psychology*, 1 - 16.
21. Öztürk, A. T. (2010). The relationship between attachment style, subjective well-being, happiness and social anxiety among university students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 9, 1772-1776.
22. Papini, D. R., Roggman, L. A., & Anderson, J. (1991). Early adolescent perceptions of attachment to mother and father: A test of emotional-distancing and buffering hypotheses. *Journal of Early Adolescence*, 11, 258-275.
23. Parade, Stephanie. H., Leerkes, esther. M., blankson, nayena. A. (2010). Attachment to parents, social anxiety and close relationships of female students over the transition to college. *J youth adolescence*, 39: 127-137.
24. Schimmenti, A., & Bifulco, A. (2015). Linking lack of care in childhood to anxiety disorders in emerging adulthood: the role of attachment styles. *Child and Adolescent Mental Health*, 20, 41 -48.
25. Taherifar, Zahra; Fata, Ladan; Gharaei, Banafsheh. (2011). The pattern of predicting social phobia in students based on cognitive-behavioral components. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 16 (1), 34-45. [in Persian]